**جمله های گفتگوی شیوه شاخدره گی**

**از کتاب گرامر زبان شغنانی**

**توپچی بخت بیکف**

**برگرداننده از سریلیک به دری: سرورشاه ارکان**

اداره نشرات سیمای شغنان

شهر کلگری- کانادا

جون ۲۰۱۸

**جمله های گفتگوی شیوه شاخدره گی**

1. ک-اِد مرکب وېف-اند لپ״ خر از آنها بسیار است״.
2. وُز-ته نَوزۈنُم، دے-ته گیرڎید״من نمی دانم،(که) وی را نگاه(گیر کرده میتوانید م) میدارد״.
3. مو-یے-ېن دے مُحاکمه چود، وُز-اُم توید״وقتیکه مرا محاکمه نمودند، من رفتم״.
4. لۈد-اُم تر-که سٲوے؟ لۈد-ے: پِس ڤهښ״گفتم: به کجا میروی؟ گفت: برای ارغمچین(ریسمان م)״.
5. یو گهپ ڎید تُولو پَی نهودَکېن״وی گپ زند، گویی میگریسته باشد.
6. بیستے هشت روز-اُم یُمند رِد״بیست و هشت روز در آنجا ماندیم״.
7. نه: تےتر مردم چید״گفت: بیا به خانه مردم رویم״.
8. برو. نه: ماشین رِمَیَم تنه ازُم ڤېن״گفت: ماشین فرستانیم شمایان را از آنجا بیارد״.
9. وُز دے روسےزِڤ-گه مِس فهمُم״من زبان روسی را نیز می فهمم״.
10. سُت-اُم ښهب-اُم دې خېز رېد״رفتم شب در پیش آنها ایستادم״.
11. بشهند غِڎه یو ڤُد״وی بچه نغز بود״.
12. اَه-را، ک-اَم چارِک تَرُم ڤُڎج״آری، همین مردک به آنجا(رفته) بود است״.
13. پُلک ڎئد قېله״پُتک زدن مشکل(است)״.
14. یو لۈد-ے: دِس مهک״وی گفت: این خیل نکن״.
15. ک-اَم غِڎه البت تو-ند״ همین بچه شاید از تو باشد״.
16. اَه-را، کو چای گه دے-رد دهک خو مٲش-ٲم تاید״اکه، کانی به این(کس) چای ده و ما میرویم״.
17. یه عزیزماه، اله، گَند״میگویند، که عزیز ماه گنگ است״.
18. اسید-ته مِس امبَو درس ڎهڎے-یا؟ امسال هم(تو) در امبو درس میدهی؟״.
19. یه بشهند-اِک-اݑ آدم״وی تماما آدم درست است״.
20. یېد مو رَزین، وُز-ته دَم چار ڎهم״این دختر من است، من او را به شوهر میدهم״.
21. یه-ته مٲش زِڤ فهمت״وی زبان مانر میداند״.
22. وَم طِلاپتاو تمه څه سېت، وُز تَمه قتے سٲم״اگر شمایان به خواستگاری او روید، من همراه تان میروم״.
23. مو-رد غَڅ دے خو درس نه-فهمت-ے، وُز-اُم وَم پیڅ-اݑ نه-ژیوج״آن دختری که درسش را نمی فهمد، من افتش(رویش، قیافه اش م) را هم نغز نمی بینم״.
24. سالُم-گه-ته مهربۈن-اند یے(وے م) رِزین دهم تیار کِښت״ سال آینده دختر مهربان صنف دهم را تمام میکند״.
25. تهم ښُمنې سور-ېت״نباشد، پگاه طوی کنید״.
26. تو تیتک کهیے، وَم-تهم خو سور-اند خو کهل-تے کے״رومالچه ات کجا شد، آنرا در طویت به سر کن״.
27. مَکِے حکیم بیک مِس پَدُم ڤُد، گُمۈن״امک امان بیک هم، به گمانم، آنجا بود״.
28. یه غَڅ دے قوم نِست نه؟״ همان دختر مگر خویش اش نیست؟״.
29. ای ڤَرادِک، وُز-اِک څه وِزؤنُم؟״ای اکه جان، من از کجا دانم؟״.
30. یو ازَم یت، خو لۈد-ے: سه مو یاږج ڤه״وی از آنجا آمد(و) گفت: رو آردم را بیار״.
31. مے تاڤ-گه-ت دے سُت پَدُم مو امک-ارد سلۈم لۈڤ״اگر این دفعه آنجا روی، به امکم سلام گوی״.
32. دارے-(ی)ېن چود ار وے څېم ات یو سُت خُب״ دارو را به چشمش چکاندند، او صحت شد״.
33. اَه-ڎه، تَرۈد یَد چای بِرئز خو سه״ ای بچه، به این جا بیا، چای خور و رو״.
34. تر چښمه-(ی)ٲم ڤَد برات مِس ڤُد״ به چشمه رفته بودیم، برات هم(در آنجا)بود״.
35. یو دِس خښ ملال سُڎج ادے مه-پېښڅ״وی چنان سخت ملال شده است، که هیچ نپرس״.
36. یېد تو نِباس نِست نه؟״مگر این نبیره ات نیست؟״.
37. یو غوغایے اچه نه-ژیوج״وی جنجال را تماما دوست ندارد״.
38. زلمک تِنج-ېت-آه؟ زن امک، شما تینجید(جور استید م)״.
39. اسید ڎو برابرے وے پرواسینج ڤا زئم״ امسال(حاصل را) دو برابر سال گذشته میگیرم״.
40. یېد مو زلمک تر-که سَت؟״ زن امکم کجا رفت؟״
41. ای ڤِرا، تو-ند-ېن تېر بوت-ېن یست-آ؟ ״ای برادر، تو بوت های سیاه داری؟״.
42. یم تو نصوار لپ بې مزه״ همین ناست نهایت بی مزه (است)״.
43. ڤِدیرم مو-رد دهک״جاروب بمن ده״.
44. اَه-را، ملک-اُم غل نه-وینڅ״ جوره، ملک را تا حالا ندیدم״.
45. اَ، دِس فربے یو(وهرگ م) ڤُد ادے، شچ ڤُږجت کباب-ٲم چوږجت״وی(بره) چنان فربه بود، اگر حاضر میشد، کباب میکردیم״.
46. اَ، سۈگ لۈڤیج اته بابِک، یو-ته نقل څه کِښت، تُلو ڤُڎج وے قتے״بلی، بابک افسانه گوی (ماهیر)است، وقتیکه افسانه گوید،(حس میکنید، که) گویا او اشتراک چی همان حادثه باشد״.
47. پنجاه وئب-ارد-ٲم څِد״قریب تا پنجاه درزه درویدیم.
48. اَه پُڅ-ې دے چید دِڤےخمبین״پسرم، در خانه را پوشان״.
49. ۈ-ڎه، ملک ارُم-آه؟ آی بچه، ملک در آنجا (هست)؟
50. وُز-اُم سُت یو فُک وے دیوال-ے چوږج یَن- اس یَن״ من رفتم وی تمامی همان دیوار را ویران کرده است״.
51. وم-اند وم ژاو نه-زئد״گاوش نمی زایده است(عینا: او را گاوش نه زایده است)״.
52. مو-ند مس دۈند-گه وِ‌ڎئد یست״ من هم همینقدر وجب دارم״.
53. عجب پیر ته خو کِنے پے دے غِڎه ״خود را به همین بچه گرنگ میکنی״.
54. وم-ېن وینت، نهله، ثوربانو نهن او را دیدند، میگویند، مادر ثور بانو(است)״.
55. مو مرکب مود״خرم مرد״.
56. اَه-را، یېد دۈند بشهند چوپۈن ادے یے چیز غدر نه-کِښت״جوره، این چنان وپان نغز است، که یگان چیزی را تلف نمی کند״.
57. یېد کباب مو ڎِندۈن کاج-اند رېد- این کباب در کاجهای دندانم ماند״.
58. چوښت-اُم ادے جۈندار-ېن-ېن بُڅِنَک-اݑ ڎاد پے مو״دیدم که به ناخواسته، نخچیر ها به من دچار شدند.
59. تَر خو مادر ڎُست گه-م نه سُت خو توید-اُم، دۈند-ارد مو قهر سِفید״ با مادرم نیز خیر و خوش نکردم و رفتم، همین قدر جهلم خیست״.
60. اَه-را، پے دے چۈښن گاز هر چهی څه نه خیرت گوښت یکبار، وے کار خۈم״ آشنا، کسیکه در جوشن گاز گوشت را نخورد، کارش خام است״.
61. یو پدۈ مو قتے بلد״در اینجا او با من شناس است״.
62. وُز-اُم سُت پَدُم، وِلاغېن نه-دهک-چود״ من به آنجا رفتم، الاغها را ندادند״.
63. ازۈد-اُم توید یے(یورغه م) ڤارج مو-ند(ڤُد م)״از اینجا رفتم، یک اسپ یورغه داشتم״.
64. برو. وورج-خیل مو-تےدَو ڎاد״گله گرگها به من حمله آوردند״.
65. یَکئ-م پهلےگهښت، مال درک نِست״یکی نگاه کردم، که از رمه درکی نیست״.
66. یت-م ار دم دره خُب مئست-اُم(شغ. مئسک م) خود״به آن دره رسیدم، تارون زیاد خوردم״.
67. لۈد-ے اَه قُده، تو-ت لپ بې وُده چارِک ڤُڎج״ گفت: ای قده، تو نهایت آدم بی خدا بوده یی״.
68. وے تهت لپ فهندزن ڤُد״پدرش نهایت فریب گر بود״.
69. چارِک زِبُد اس محرکه-ندے״مردک از محرکه گریخت״.
70. بعد یو اس ښاج-ے دے مردم دریالهڤ-ڤه توید، پۈند-ڤه نه-تویج״ثانی وی از ترس مردم لب-لب دریا رفته است و قد-قد راه نی״.
71. تُښپ خُښپه نست خو تیزد پے یِل״با قروت اتاله را پخته به ایلاق میرود״.
72. دے واښ نِښپیرت ات پے یِل فریپچ״ همان علف را پایمال کرده به ایلاق جا رسید است״.
73. وهڎ چارکېن مے امباج گهپ ڎېن״ همان مردان بجای این گهپ میزنند״.
74. هم اس کلخوز، هم اس حکومت پول زئزٲم״هم از کلخوز، هم از حکومت پول میگیریم״.
75. یېد دریا نُر قُدُق سِڅ״ دریا امروز قودوق شد است( یعنی کنار هایش یخ بستند و مابینش نی)״.
76. وهزداو آسۈن څه ڤِد، فکݑ وهزین״ شنا کردن اگر آسان میبود، همه شنا میکرد״.
77. اَه-را بیدے وهز دے-تے-ته ښِناورے آمُخت نه-سٲوے ״ آشنا، درست تر آب بازی کن، با این حالت شناوری را یاد نمی گیری״.
78. تو-ت بجگله ترڎېنتاو ژیوج״تو بچه ها را جنگ انداختن دوست میداری״.
79. یېد تو ژاو وۈغد ار گاه څه نَو زئڅ״گاوت صدا میکند، شاید نو زایید است״.
80. زئڅِن ڤَز-ته پے پُښته نه-سۈد، ښَپ-ښَپ ژازد ات یاڎد ار یِل״ بز نو زاییده گی در پشته نمی ایستد، تیز-تیز دویده به ایلاق مے آید״.
81. پرواس-اُم دم قۈل-اند ویښچت״پارسال در همین قول شنا کرده بودم״.
82. اَه-را، دے دست موزه ترۈ(د) ڤه شَغ څِیٲم״آشنا،(همین) دشت پوشک را به اینجا بیار، خار را میدروم״.
83. زریځ دے ماده ڤَد یه-ته نه وۈقت״ مادامی که کبک ماده باشد، وے نمی خواند״.
84. برو. ڎو ِن یے چار-اند څه ڤَیېن وېف-ته ابین لۈڤېن״اگر از یک مرد(ک) دو ږِن باشد(هم) آن زنها را(ابین)پلانج میگویند״.
85. وهڎ ابینارج-ېن تَر کار نښتاید״(همان) پلانج هابکار برآمدند.
86. اَه-را، دے نبیره گۈن-ېن بشهند آدمین״ آشنا، نبیره هایش آدم های نغز اند״.
87. یو دۈند بشهند پِلئس وافت ادے، آدم حیرۈن سۈد״وے گلیم( فرش م) چنان درست میبافد، که آدم حیران میماند״.
88. دے موسفېد-اند-ېن دۈند نِباس ات نَبسه ادے فکݑ-ېن کلته״ همین موی سفید همین قدر نبیره و ابیره دارد، که همه اش کلان اند״.
89. اَه-را، دے-ند-ېن اس دے نَباسگۈن دے نَبَسه-(ی)ېن بیدے״ آشنا، از نبیره گان او ابیره هایش بهتر اند״.
90. آسته دے تے نه-واښے״ آهسته تَر رو، نه افتی״.
91. وئښچِن-ته اس وے جای-تے اندۈزین״افتاده را از جایش مے بردارند״.
92. گېگُرد دهک، مو یاڅ وِزُد״گوگرد ده، آتشم خاموش شد״.
93. تو-ت پِراکےلپ کئخچت ات شِچ ات خُب سُڎج״تو پیشتر بیسار می سفلیدی، اکنون صحت شده یی״.
94. پِراکے عزیز خۈن چارِک-ے جُمه چُک ڎاد״(در زمان پیش) عزیز خان مردک را(کس را) با چوب میزد״.
95. اَه-را، خو یېد دۈند اباخ ِږنِک ادے، اچه گهپ نه-فهمت״جوره، این چنان زنک ساده، که گپ را تماما نمی فهمد״.
96. آدم بشهند گهپ څه نه-فهمت وے-ته اباته لۈڤېن״آدمیکه گپ درست را نمی فهمد، او را اباته میگوییم״.
97. تو-ته لپ کئخے تو ښُښښا دهرڎ کِښت؟״تو بسیار مے سفلی، ممکن ششت درد میکند״.
98. اسید خاج-ڤیست جهلدے دوۈم سڤت״ امسال خرمن کوبی تیز تَر دوام شد״.
99. تو-ته اس څه وخت-اند خاج ڤیسے؟״ تو از کی خرمن کوبی را سر میکنی؟״.
100. دم کُرته-رے استَر وېڎ״برای کرته اش استر انداز״.
101. آدم دے تَر پۈند ڎاد، یو-ته نه وِژِفڅ״ آدمی که عزم سفر کرد، دیگر از راه بر نمی گردد״.
102. لهک یېد ږِنِک وِژَفڅ خو سۈد تَر خو چار چید״ بگذار، همین زنک برگشته به خانه شوهرش رود״.
103. اَه-را، پے گَل یه چښمه وارڤد״جوره، در(به م) گل (بیا م) چشمه میجوشد״.
104. غیرے دے مو-ند یے چیز-گه نِست״ به غیر از این من چیزی ندارم״.
105. وے کهل-تے ڤِرېښُمِن پکال ڤَد״در سرش توپی(کلاه م) ابریشمی بود״.
106. مو چَپهن کینه سِڅ״ جامه ام کهنه شد است״.
107. یېد چای وُرڤ ڎاد-آه؟ چای جوشید-آه؟(برو.)״.
108. وَرڤهن ښَڅ سَت وے تا-ره خو یو پِڎِ‌ڎج״آب جوش به سرش ریخت و وے سوخت״.
109. دے مال وِژېب ار کِښت مه-سۈد״ رمه را گردان، به کشت نرود״.
110. برو. یم ښَڅ وورڤ نه-ڎئڅ״ این آب، به گمانم، نه جوشیده است״.
111. نُر دۈند کِشِندود گِمۈن سملات-ته نه-سۈد״امروز هوا ویران، گمانم، سملات نمی شود״.
112. یېد وِڎِچ کِشِندود رِوُښت״ گنجشکها یکباره پریده رفتند״.
113. اسید لپ ابرِدخ ڤُد״امسال هوا نهایت ابرناک بود״.
114. یو چارِک یَݑچ دو بون-گے-(ی)اند خو وِروڤج״همان مردک در دو راهه آمد است و ایستاد است״.
115. دېڤ وِروڤجِن-ېن مِس نئڎېت״همان راست ایستاده گی ها را نیز شینانید״.
116. دے ابر چِس څرهنگ تاریک زمۈنه اچه فرق نه کِنے״ابر را بین چه خیل تاریک است، زمانه را(اطراف را) تماما فرق نمی کنی״.
117. رستم دۈند شُم غِڎه دِدے، اچه کار نه-کِښت״ رستم چنان بچه تنبل هست، که تماما کار نمی کند״.
118. تمه دِس مه-لۈڤېت وورج-گه وے مو بُچهک نه-خیرت؟ شمایان اینطور نگویید، باز گرگ نربز ما را نخورد״.
119. مال قتے ته ییو ۈیته—ۈیت کِښت״ با رمه یک کس اوی-اوی میکند״.
120. اَه یخ، تو بهس وُل-وُل کے وُز-اُم ښئڤځ״خواهرم، تو بس پچیر-پچیر کن، من خوابیده اُم״.
121. تو یېدرد چیز ښِکَرے؟״ تو در آنجا چه مے کابی؟״.
122. څۈند-ے تو ښِکوږج نه-ڤوږج-ے؟ چقدری که تو را جستجو کرد است نه یافته است״.
123. اولبَز فُک بهښ״پیش پزک نصیب همه״.
124. یېد څه-رهنک-هج کُد کته-ره-مېݑ دے-ند او-او تیزد״ این چکونه سگ است، که روز بردوام اققس(او-او م) میزند״.
125. دِس ۈی-ۈی یست ادے نو سملات-ته پِس پدۈ یاڎد״چنین گهپ-گهپ هست، که به اینجا سملات نو مے آمد است״.
126. دهڎ-ېن تر خو حوېلے دېد״ آنها به حویلی شان درآمدند״.
127. تر دې حوېلے مو-ند چیر؟״به حویلی اش چکار دارم؟״.
128. برو. تو دېڤ بجگله کار رِمَی״تو این بچه ها را کار فرما״.
129. وُز-اُم ڤارج قتے دے ژِنِج وِرېښت خو نږجیدُم״ من با اسپ از این برف گذشته رفتم״.
130. بهس دے ݑیر-ارد شِچ غبار مه-سۈد״خاکِښتر را نکاب( نه پال م)، جنگ نشود״.
131. نُر اوېج-خُښپه ڤېت، فُرٲم״ امروز اوېج-خُښپه( اتاله، که از آرد و نخود اره لش پخته شده است) بیارید، خوریم״.
132. معصوم تر هر کار-اݑ اوېج سۈد״معصوم به هر کار اره لش میشود״.
133. اَه بجگله، تمه سېت-بچه ها، شمایان روید״.
134. یِمه، وُز-اُم نُر بېکاره- منه، من امروز بیکار هستم״.
135. مے شیگ-ېن پِگا-ݑ از یِل خمبېنچ-ه یۈدرد-همین گوساله را اله کی از ایلاق آوردند، حالا هم در اینجا بود است״.
136. وے تنه خِرچت یو چئوج-ے خو سُڎج فکه زخمے״ تنه اش خارش کرد و وی خود را خارید است و بدنش تماما یاره دار(زخمی) شد است״.
137. یم وِښکیمچِن وۈن مے ژیڤداو آسۈن״ این پشم تازه شدگی، ریسدنش آسان است״.
138. ښئیجِن آدم-ته فک چیز-اݑ فهمت״آدم خواندگی همه چیز را مے فهمد״.
139. لپ سِت بازے مهک تو ڎُستېن ښِچهفېن״ بسیار خاک بازی نکن، دستانت مے کفند״.
140. ناش گل-ته مهی(جوزا م) مئست-اند ښِچَفڅت״گل زردآلو در ماه مے مے شکوفد״.
141. اَه-را، دے خو پُڅ-اِک مه-ښیڤج״اکه، پسر چه ات را لت نمی کردی״.
142. ښُڎجِن-ارد-ته آدم باورے نه-ڎید״ به شنیدگی آدم باور نمی کند״.
143. ڤِرا، مے خو کَښت-ته تو څه-وخت یهنے- جوره، غله ات را تو کی آرد میکنی״.
144. یه نو اس ښهر یݑچِن، وُز وَم نه-فهمم״وی از شهر نو آمدگی، من ویرا نمی فهمم״.
145. دِگه کار کِن ات تو تو یِداو آسۈن״دیگر کار مشکل است و بردن تو آسان״.
146. هر څۈند (پُلک م)څه ڎهم ، اس دم ژیر-تےدۈند تَښپَل نه-زِبینت״ چقدریکه با پتک زنم هم از این سنگپاره هم نمی خېزد(هرچند با پتک میزنم از این سنگ، قدری سنگپاره هم نمی پرد م)״.
147. مے دۈند مال ازې(د) زِبېنتاو لپ قین״ همین قدررمه را از آنطرف (دریا) گذراندن نهایت مشکل است״.
148. یېد گل قربۈن تازه آدم، اس سحر-اند طِدیرت تا ڤېکه-(ی)ېڅ״ گل قربان آدم پاک است، از پگاه یی تا بیگاه یی ( خانه را) میروبد״.
149. زِناڎجِن جاگه-ته بشهند-اݑ تهل ڎېن״ ظرفهای شستگی را درست کک بالای هم میگذارند״.
150. رشید-اند دایم وے در ات درگاه زِدوږجِن״از رشید حویلی اش دایم روفتگی״.
151. نه-ڤهر-ات ڎاد اس خو ماۈنه-تے مو-رد مِس یے-چیز زاښچ- نتوانستی از معاشت بمن چیزی میخریدی״.
152. یو کُد سُت تر وے-گُنه، یو ڎاد-ے وے ژیر״ همان سگ به طرف او رفت، وے آنرا سنگ زد״.
153. تر مو-گُنه-(ی)ے څه چوښت، دۈند-دۈند-اِک څېمېن-ېن وَم-اند ڤُد״ وقتیکه بطرف من نگاه میکرد، چشمهای میده-میده داشت״.
154. برو. دے غِڎه-(ی)ے کو څه چیز ژِرُښت یېد دِس ورم څه״ همین بچه را کدام جانوری گزیده است، که این خیل ورم کرده است״.
155. اس ژیڤداو-اݑ دِگه مو ڎُست آمُخت سُڎج״ از ریسیدن دستم عادت کرده است״.
156. یے چیز بې ادبے مهک״ یگان بی ادبی نکن״.
157. یم ڎۈغ اجب تَښپ״ همین دوغ عجب ترش است״.
158. مے هرهرېن یکبار رِښئو، دې-تے ښئخ پَر لپ سُڎج״همین هر هر ها را یکبار تازه کن، شاخ و پرشان بسیار شد است״.
159. صفر ښهب اندویج خو تویج״ صفر شب از جایش خیسته رفت است״.
160. دې بجگله اندۈز تر مکتب دېر دېف-ارد مه-سۈدهمان״بچه ها را بیدار کن، به مکتب دیر نمانند״.
161. برابر ښهب-ے وے اندۈزد خو یو تویج״نصف شب او را بیدار کرد است و وے رفت است״.
162. ژاوېن-ېن اږیڅِن دے ڤَد، مه-اندۈز وېڤ خو یَد. اگر گاوان دم گرفتگی باشند، آنها را نه خېزان و بیا״.
163. نښتیداو-تے تهم مو به-یاڎ وېڎ״دروقت برآمدن به خاطرم بیار״.
164. دم امبَښڅ-ے شمال نِښفېنچ״همین ارچه را شمال از ریشه کنده است״.
165. گرڎه ڤه هر مے ښوڤد نَگؤل خو خهرٲم״نان را بیار در درون شیر تر کن و میخوریم״.
166. اَه یَخ، دم پَی نِمئڎ، فُرٲم״ خواهرم، جورغات را تیار کن، میخوریم״.
167. نِښڅِرېمچِن جای-ته تېر سۈد״ جای گازیدگی سیاه میشود״.
168. برو. دے غِڎه بشهندِک-اݑ نِښئب لهک تر خُڎم ڎېد״(گهواره) همان بچه را درستکک جنبان، خواب کند״.
169. تو بهس مو پَرڅئپ، وُز-ته نه-لۈم״ بس، تو مرا نه کاهان، من نمی گویم״.
170. دۈند چیز نالے گرنگ-ات مٲش چو״ چرا اینقدر می نالی، ما را گرنگ کردی״.
171. یه غَڅ بِڅ ڎئڅ ار کِڅار خو ݑِڅ״ همان دخترچه در آتشدان افتید است و سوخت است״.
172. دے ما-ته څه وخت ڎیڤداو ڤېن״ رمه را کی دوشیدن مے آورند״.
173. وَم-ېن چار ڎاد خو مو جِگهر وَم جهت ݑُد״او را به شوهر دادند و جگرم برایش سوخت״.
174. دے خربُزه څئپ یېد تُلو پئخچ״کانی همان خربوزه را دست-دست کرده بین، بخیالم پخته است״.
175. یو ڎاڎج مو-تے ژِدئق-اݑ خیره خو نوشچ״ وے بمن با دقت چشم دوخته ایستاده است״.
176. تېر دِڤوسک لپ ژِرَږیج״ مار سیاه گزنده سخت است״.
177. اَه یَخ، خو گرڎه-ېن زِبئت ݑَدېن دهڎ״ خواهر جان، نان هایت را از تنور گیر، سوختند״.
178. تو ژاو دے زاد فِلله خید مو خبر کے״ وقتیکه گاوت رایید، فلله خوری مرا خبر کن״.
179. سَت-ٲم، یه مو ځَلِک رِزین-ته لۈڤد: یم چهی؟״ رفتیم، همان دختر چه میده میپرسد: این کیست؟״.
180. پرواس-اُم وُز وے وینچت پَدُم ״پارسال من او را در آنجا دیده بودم״.
181. مو-ند یے پِتِش یَست، یو نه-سۈد ښئیتاو״ من یک امک بچه دارم، وے خواندن نرفت״.
182. صفر، چید-ېت څه بهر چو؟ صفر،(ساختمان) خانه را به چه حال آوردید״.
183. مٲش-ٲم، یِمه نَخت خاښدره چے ات دېڤ زِڤ خُږنۈنے״ ما انه، شاخدره چی استیم و زبان اینها شغنانی״.
184. اَه گوهر، ک-و یے کَت-اِک-اݑ سۈگ مے-رد لۈڤ״گوهر، کانی یک افسانه چه( گگ م)کوتاه گگ به این گوی״.
185. مٲش ڤِداو مِس ار وے سور شرط نه״ بودن ما هم در(طوی) او مگر شرط״.
186. یېدند-اُم پاݑ وېڎد ات یو نخچیر ژِدَقَست خو ارقه-تے وئښت״ همین که تیر پراندم، نخچیر به پشتش افتید״.
187. مالچِن پۈست مو-ند ڤُد نه-فهمم تر-که سُڎج״من پوست مالیده گی داشتم، نمی دانم کجا شد است״.
188. پدۈ دوس-گُنه (ی)اِک کار مو-ند ڤُد، دڎ-اُم یت״ در اینجا کمکک کار داشتم، برای همین آمدم״.
189. غله سُڎجِت غله-اݑ بِش خیرت״ کلان شد است و حالا هم سینه( شیر مادر م) میخورد״.
190. وَم بَکَل تر غجید بِزین خو ید״ همان گاو یکساله را به آغل خانه درار و بیا״.
191. یه فرغېمڅ( شغ. فرغېنڅ م) غل نه-زئڅ״همان گاو مان( ماده گاو یکساله) حالا(هنوز هم م) نه زاییده است״.
192. یېد پُخلُت-رهنگ آدم دۈند ووښیار״ آدم قد پست هوشیار(میباشد)״.
193. سه تر دم رِگۈڤ خو پیڅ زِنے״ رو به نزد همان شراره رویت را شوی״.
194. ژیرِن دېوال کِنېن، یُمڤه حیۈن نږجیداو نه-ڤهرڎېد״ دیوار سنگی میکنند و حیوان از آن گذشته نمی تواند״.
195. مو پاڎ خیرت ار جا څه-ته مو رِمَیېن״ پایم مے خارد، به کجایی مرا مے فرستانند״.
196. اَه برابر-ات مو گهپ جِواب گرڎېنت״ همین زمان جواب گپم را گرداندی״.
197. غُله-(ی)ے زار-ٲم ڤُد ات مٲش موم ماد״ ما تماما کلان بودیم و مادر کلان مان مرد״.
198. وُز-اُم مال-ښِنید ڤُد خو یت-اُم اِده״من به جستجوی رکه رفته آمدم״.
199. یېد درۈغ لۈڤد״وے دروغ میگوید״.
200. عقلی ما پَدُم-اݑ سۈد وېف پوښاک زِنېدعقل ماه به آنجا رود، پوشاک شانرا شوید״.